

ماهنامه

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

صد سال از کمون پاریس میگذرد

(۱۸۷۱ - ۱۹۷۱)

صد سال پیش در بهار سال ۱۸۷۱ (مارس ۱۸۷۱) پرولتاریای فرانسه دست به نخستین انقلاب پرولتری زد و نخستین حاکمیت کارگری تاریخ جهان را بنام «کمون» در شهر پاریس مستقر ساخت و آنرا مدت هفتاد و دو روز در دست داشت و سپس در مقابل هجوم نیروهای ارتجاع که از ورسای به پاریس بنام استقرار «نظم و امنیت» حمله ور شده بودند از پای در آمد و در یک نبرد قهرمانانه آخرین رزمندگان در پای دیوار گورستان «پرلاش» بخون کشیده شدند.

لنین میگوید: «منظره زندگی و مرگ کمون منظره یک دولت کارگری که یک پایتخت جهانی را بشصرف خویش در آورد و آنرا پیش از دو ماه در یک تصرف داشت، منظره پیکار قهرمانانه پرولتاریا و رنجهای وی

بقیه در صفحه ۲



برخیز ای داغ نفرت خورده!
سرود انترناسیونالی - اثر دنش آلمانی فرانسه
مازه رل (سراینده شعر سرود پرولتاری انترناسیونال اژن
پتیبه شاعر کمون است.)

سخنرانیهای رفیق ایرج اسکندری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

در سازمان حزبی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی

و در دهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان

دعوت برادرانه برای شرکت در کنگره بیست و چهارم حزب پر افتخار لنین بزرگ، حزب کمونیست اتحاد شوروی مراتب تشکر عمیق خود را ابراز میدارد و تشکیل این کنگره بزرگ تاریخی را بشما و توسط شما بشمام کمونیستها و خلق قهرمان شوروی تهنیت میگوید. (کف زدن حضار)

ما گزارش کمیته مرکزی حزب کمون-

دنباله در صفحه ۷

در ماه آوریل سال جاری هیئت نمایندگان حزب ما بریاست رفیق اسکندری در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست شوروی و دهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان شرکت جست. رفیق اسکندری در نطق خویش در سازمان حزبی شهر مسکو که بمناسبت بیست و چهارمین کنگره حزب کمون- نیست شوروی تشکیل شده بود چنین گفت: «هیئت نمایندگی حزب توده ایران بمناسبت

کنگره بیست و چهارم

حزب کمونیست اتحاد شوروی - تجلی گاه دستاورد های عظیم

مادی و معنوی مردم شوروی

روز بروز محکمتر و عمیقتر میگردد. بررسی سیر عمومی حوادث سالهای اخیر نشان میدهد که کوششهای امپریالیسم برای آنکه جریان تاریخ را بسود خویش برگرداند محکوم به شکست است. با این وجود جای سستی و آسوده دلی نیست. در برابر نیروهایی که علیه یوغ سرمایه مبارزه میکنند آخرین ولی نیرومندترین سیستم بهره کشی قرار دارد.

کامیابی در مبارزه بر ضد امپریالیسم وابسته به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و در درجه اول وابسته به وحدت صفوف جنبش کمونیستی بین المللی است. طی پنج سال دنباله در صفحه ۲

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۳۰ مارس گذشته نخستین جلسه خود را تشکیل داد و در ۹ آوریل با موفقیت کار خود را پایان رساند. نزدیک به پنج هزار تن از برگزیدگان چهارده میلیون کمونیست شوروی در عالیترین مجمع حزب نتایج فعالیت چند سال اخیر حزب و مردم شوروی را جمع بندی کردند و مشی سیاسی و برنامه فعالیت پنج سال آینده را تعیین نمودند.

گزارش فعالیت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را رفیق برژنف دبیر کل کمیته مرکزی به کنگره تقدیم کرد. در این گزارش که بمتابه یک سند برجسته مارکسیسم - لنینیسم خلاق مورد تأیید کنگره قرار گرفت، از دوران معاصر تحلیل عمیقی بعمل آمده. نتایج عظیم فعالیت حزب کمون-

نیست و مردم اتحاد شوروی طی سالهای پس از کنگره بیست و سوم بررسی شده و برنامه مبارزه برای کامیابهای جدید در راه ساختمان کمونیسم تعیین گردیده است.

در نخستین بخش گزارش وضع بین المللی مورد تحلیل قرار گرفته است: طی سالهای گذشته در عرصه بین المللی تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی پدید آمد. میان نیروهای صلح، آزادی و پیشرفت اجتماعی از یکسو و نیروهای اختناق، ارتجاع و تجاوز ازسوی دیگر مبارزات حادی جریان یافت. در مبارزه برای صلح و امنیت خلقها اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر سهم بزرگی ادا کردند. مواضع بین المللی اتحاد شوروی محکمتر شد، نقش سیستم جهانی سوسیالیستی که اینک یکربع قرن از پیدایشش میگذرد افزایش یافت. اتحاد سه نیروی انقلابی اساسی عصر حاضر یعنی سوسیالیسم، جنبش پرولتاری بین المللی و جنبش رهایی بخش ملی

اعدامهای تازه در ایران

سحر گاه چهارشنبه ۲۶ اسفند گذشته ۱۳ نفر از کسانی که با اتهام خلع سلاح یا نگاه زندان امری سبب انگل، از طرف مقامات انتظامی دستگیر شده بودند تیر باران شدند. در اعلامیه ای که مقامات امنیتی روز ۷ فروردین در این باره منتشر کرده اند اسامی تیرباران شدگان و اتهام وارده بآنها ذکر میشود. در این اعلامیه همچنین گفته میشود که در جریان برخورد های مسلحانه ۶ مأمور نظامی و غیر نظامی کشته و ۱۰ نفر نیز مجروح شده اند.

در مصاحبه ای که روز ۱۵ فروردین مقامات امنیتی با خبرنگاران جراند داخلی و خارجی بعمل آوردند، اطلاعات تازه ای در این باره در اختیار آنها گذاشته اند. در این مصاحبه تصریح شد که در دیماه گذشته علاوه بر ۱۳ نفری که تیر باران شده اند، ۵۰ نفر دیگر با اتهام وابستگی بآنها در شهرستانهای مازندران و گیلان دستگیر شده اند و محاکمه

دنباله در صفحه ۷

زحمتکشان ایران مبارزه میکنند

پایای تحولات اجتماعی و اقتصادی در مهن ما طبقه کارگر رشد میابد، بیش از پیش آگاه و متحد میشود و برای بهبود زندگی خود مبارزه میکند. چند سال پیش دکتر اقبال نخست وزیر وقت در مجلس گفت کلمه اعتصاب در قاموس کشور ما وجود ندارد، چندین سال قبل از این اصلا کلمه کارگر را از فرهنگ کشور ما با زور شکنجه و زندان حذف کرده بودند. اداره سیاسی حکومت دیکتاتوری رضا شاه در هر نامه ای که کلمه کارگر را میدید زیر آن خط قرمز میکشید و صاحب نامه را زندان می انداخت ولی مگر سیر تاریخ را میتوان با زور متوقف کرد و با یک دستوروری طبقه در حال رشدی که آینده جامعه متعلق باوست خط کشید؟ واقعیت نشان میدهد که علیرغم تمام فشارها جنبش ها و اعدام ها که برای سرکوب حزب طبقه کارگر ایران و درهم شکستن نیروی مبارزه این طبقه بکار رفته است، مبارزه

دنباله در صفحه ۵

نیروهای انگلستان باید بی قید

و شرط از خلیج فارس خارج شوند

در نطقی که داگلاس هیوم وزیر امور خارجه انگلستان روز اول مارس در مجلس عوام آنکشور ایراد کرد، سیاست دولت خویش را درباره فراخواندن نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس تا پایان سال ۱۹۷۱ تشریح نمود. متعاقب ایراد این نطق، دولت ایران پس از اجرای یک سلسله تبادل نظرها با دولت انگلستان، موافقت خود را با برنامه پیشنهادی از طرف آن دولت اعلام داشت. وزیر خارجه انگلستان در نطق خود خروج نیروهای انگلیسی را از خلیج فارس موقوف به تحقق پنج شرط نموده است. مطالعه این شرایط نشان میدهد که دولت انگلستان قصد دارد ضمن پایان دادن به حضور رسمی خود در خلیج فارس، وسائلی فراهم سازد که حضور غیر رسمی آنکشور در این منطقه تأمین شود. هیوم نخستین شرط خروج

دنباله در صفحه ۶

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی

گذشته حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب برادر دیگر برای تحکیم وحدت صفوف خویش و کوششهای فراوان مبذول داشته اند و با تشکیل موفقیت آمیز کنفرانس مسکو در سال ۱۹۶۹ در راه تأمین وحدت بین المللی جنبش کمونیستی و تحکیم اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی گام بزرگی برداشته اند. رفیق برژنف خاطر نشان کرد که حزب کمونیست اتحاد شوروی در آینده نیز این خط مشی را که موجب تشدید مبارزه جهانی ضد امپریالیستی و تقویت وحدت صفوف مبارزان ضد امپریالیست است اجرا خواهد کرد.

در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سرمایه داری معاصر مورد تحلیل عمیق قرار گرفته، ضمن اشاره باین نکته که سرمایه داری خود را بر شرائط و اوضاع جدید تطبیق میدهد، تصریح شده است که این امر بمعنای تثبیت سرمایه داری نیست و بحران عمومی سرمایه داری همواره عمیقتر میگردد.

در کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست شوروی یکبار دیگر تأکید شد که اتحاد شوروی سیاست دفاع فعال از صلح و امنیت بین المللی را در مقابل سیاست جنگ و تجاوز امپریالیسم قرار میدهد. در گزارش رفیق برژنف در این زمینه برنامه ای طی شش ماده طرح شده که از جمله حاوی نکات مهم زیرین است:

خاموش کردن کانونهای جنگ در آسیای جنوب شرقی و در خاور میانه، حل سیاسی مسائل این مناطق بر پایه احترام به حقوق دولتها و خلقهای که قربانی تجاوز شده اند. رد فوری هر گونه عمل تجاوز کارانه با استفاده از امکانات سازمان ملل متفق. خود داری از توسل بزور و یا تهدید بزور. عقد پیمانهای دو جانبه و منطقه ای. قطعی شناختن تغییرات ارضی (سرحدات) اروپا که از جنگ دوم جهانی ناشی شده است. دعوت کنفرانس برای تأمین امنیت جمعی اروپا. انجلاال همزمان پیمان آتلانتیک و پیمان ورشو و بعنوان نخستین گام انجلاال سازمانهای نظامی این دو پیمان. عقد پیمانهای برای منع سلاحهای هسته ای، شیمیایی و میکروبی. خاتمه دادن به کلیه آزمایشهای اتمی از آن جمله به آزمایشهای زیر زمینی. ایجاد مناطق عاری از سلاحهای اتمی در نواحی مختلف جهان. خلع سلاح هسته ای و بدین منظور تشکیل کنفرانس مرکب از پنج کشور (ایالات متحده آمریکا، شوروی، چین، انگلیس و فرانسه) که سلاح هسته ای دارند. تشکیل کنفرانس جهانی خلع سلاح، برچیدن پایگاههای نظامی در خاک بیگانه، کاهش نیروهای نظامی و تسلیحات در هر جایی که میزان نیروهای نظامی خطر ویژه ای دارد و در درجه اول در اروپای مرکزی. تقلیل بودجه های نظامی و در درجه اول تقلیل

بودجه های نظامی دول معظم.

اجرای تصمیمات سازمان ملل متفق در مورد معجز بقایای استعمار، لغو مظاهر تبعیضات نژادی.

توسعه همکاری در کلیه رشته ها با همه دولتها، حل مسائل مربوط بصیانت محیط طبیعی و بهره برداری از منابع انرژی و دیگر منابع ثروت، توسعه وسائل حمل و نقل و ارتباطات پیشگیری از شایعترین بیماریها، پژوهش و تسخیر کیهان و اقیانوسها.

رفیق برژنف ضمن تشریح نکات فوق روی این نکته تأکید کرد که اتحاد شوروی مبارزه خود را علیه امپریالیسم با قاطعیت دنبال خواهد کرد، به عملیات و توطئه های خرابکارانه تجاوز کاران پاسخ محکمی خواهد داد، از مبارزه خلقها برای دمکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم پشتیبانی خواهد کرد.

کنگره بیست و چهارم یکبار دیگر مناسبات همبستگی سوسیالیستی و دوستی استواری را که حزب کمونیست و خلق شوروی را به حزب زحمتکشان ویتنام و خلق ویتنام پیوند میدهد خاطر نشان ساخت. در پیامی که خطاب برزمنندگان غیور هندوچین صادر کرد گفته شده است: «بایداری و مردانگی خلقهای آزادی دوست هندوچین، برخورداری از پشتیبانی دائمی خلق شوروی، مردم دیگر کشور های سوسیالیستی، جنبش جهانی کمونیستی و همه نیرو های ترقیخواه ضامن پیروزی آنها در مبارزه بر ضد دشمن است». کنگره همچنین تجاوز امپریالیستی اسرائیل را که با تکیه بر پشتیبانی امپریالیستهای آمریکا علیه خلقهای عرب انجام یافته، محکوم کرد و همبستگی مردم شوروی را با خلقهای عرب که شجاعانه برای الغاء عواقب تجاوز اسرائیل، برای پیروزی آرمانهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه میکنند، اعلام داشت.

در زمینه اقتصادی کنگره بیست و چهارم رهنمود های نهمین نقشه پنجساله را تصویب کرد. گزارش مربوط باین نقشه پنجساله بوسیله رفیق کاسیگین صدر شورای وزیران اتحاد شوروی به کنگره داده شد.

مردم شوروی در نتیجه اجرای اقدامات هشتمین نقشه پنجساله در راه ایجاد پایه های مادی و فنی کمونیسم، در راه تکامل مناسبات اجتماعی سوسیالیستی، ترقی سطح زندگی زحمتکشان و تربیت انسان نو گام بزرگی برداشته است. رهنمود های کنگره ۲۳ در مهمترین رشته های اجتماعی و اقتصادی اجراء شده است. تولید صنعتی ۵۰ درصد افزایش یافته، به وظایفی که برای بهبود زندگی و رفاه زحمتکشان در نظر گرفته شده بود کاملاً و در مواردی بیش از میزان مقرر عمل شده است.

اینک در اتحاد شوروی یک قدرت اقتصادی عظیم بوجود آمده که بر پایه صنایع متنوع، کشاورزی نیرومند سوسیالیستی،

علم پیشرو و بر فعالیت کادر های کارگری ورزیده، متخصصین و مدیران شایسته تکیه دارد. این اقتصاد روزانه معادل دو میلیارد روبل یعنی ده برابر میزان قبل از جنگ محصول تولید میکند. باین ترتیب برای ترقی بازمه بیشتر اقتصادی و فرهنگی و برای انجام وظایف برنج نهمین نقشه پنجساله مقدمات لازم فراهم گردیده است.

تأمین ترقی قابل ملاحظه سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم شوروی هدف عمده نقشه پنجساله جدید را تشکیل میدهد.

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست شوروی کماکان صنایع سنگین را پایه قدرت اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم تشخیص داد و برنامه دراز مدت پیشرفت اقتصاد کشاد و رزی را تأیید کرد، توسعه همه جانبه تولید کالاهای صنعتی مورد مصرف مردم و بهبود رشته های تجارت و خدمات را ضرور شرد. کنگره تصریح کرد که بالا بردن بازده تولید اجتماعی بر پایه ترقی علمی و فنی و استفاده کامل از کلیه ذخائر موجود راه عمده تسریع آهنگ رشد اقتصادی است. کنگره تأکید نمود که ایجاد پیوند ارگانیک بین انقلاب علمی و فنی و مزایای سیستم اقتصاد سوسیالیستی ضرورت دارد.

در نتیجه اجراء نقشه جدید طی پنجسال آینده در آمد ملی شوروی ۳۷ - ۴۰ درصد، تولید محصولات صنعتی ۴۲ - ۴۶ درصد، تولید محصولات کشاورزی ۲۰ - ۲۲ درصد و در آمد واقعی مردم در حدود ۳۳ درصد بیشتر خواهد شد. ۶۰ میلیون نفر از مردم شوروی طی پنجسال آینده به خانه های نو ساز منتقل خواهند شد. در زمینه اجتماعی

حزب کمونیست اتحاد شوروی خط مشی تحکیم باز هم بیشتر وحدت جامعه شوروی، نزدیکی گروهها و قشرهای طبقاتی و اجتماعی، ملتها و خلقهای شوروی، بسط دمکراسی سوسیالیستی، جلب باز هم بیشتر و فعالانه تر توده ها برای حل مسائل اجتماعی و دولتی، بالا بردن سطح آگاهی کمونیستی زحمتکشان را دنبال خواهد کرد. این خط مشی پیشرفت همه جانبه علم و فرهنگ و شکفتگی معنوی انسان شوروی را تأمین میکند.

در کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست شوروی ۱۰۲ هیئت نمایندگی از ۹۱ کشور جهان شرکت کردند. شرکت نمایندگان نیرو های انقلابی سراسر جهان در غالبترین مجمع حزب کمونیست اتحاد شوروی نشان دهنده نقش عظیمی است که اتحاد شوروی بمشابه نیروی عمده مادی و سیاسی اکثریت ضد امپریالیست خلقهای جهان ایفاء میکند. حضور نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری همه کشورهای جهان (بجز چین و آلبانی)، نمایندگان جنبشهای دمکراتیک ملی و برخی از احزاب سوسیالیستی چپ در این مجمع کبیر نشانه آنست که مقاومت مردم و زحمتکشان سراسر جهان در مقابل توطئه های ماجرا جوانه امپریالیسم آمریکا و همداستانش تقویت مییابد، صفوف متحد تر میگردد، اختلاف نظر ها بیش از پیش از میان برمخیزد و وحدت عمل برضد امپریالیسم

صد سال از کمون پاریس میگذرد

پس از شکست، روحیه میلیونها کارگر را بالا برد، امید آنان تازه کرد و آنانرا بسوی سوسیالیسم دلبسته ساخت.

کلاسیکهای مارکسیستی، مارکس انگلس، لنین از واقعه عظیم کمون بمشابه یک آزمایشگاه حقیقی تاریخی برای اثبات احکامی که از پیش مطرح بود با گرفتن نتیجه گیریهای تازه استفاده کردند. بشکل خلاصه باید گفت که کمون نقش تاریخی طرقة کارگر، ضرورت اتحاد آنها، ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا، ضرورت اتحاد کارگران و دهقانان، ضرورت حزب سیاسی طبقه کارگر ضرورت مبارزه علیه انحرافات چپ و راست در استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر را نشان داد.

درباره کمون پاریس و درسهای گرانهای آن در شماره ۴۹ «مسائل بین المللی» مقالات و اطلاعات تفصیلی لازم انتشار یافته است و ما خوانندگان ارجحند را به آن راه می کنیم و به تکرار آن مطالب نمی پردازیم. تردیدی نیست که آرمان فنا ناپذیر کمون پاریس که بصورت انقلابهای سوسیالیستی در یک سلسله از کشورهای اروپا و آسیا و امریکای لاتین پیروز شده است، دیر یا زود بشیور ظفرمندی خود را در کشورهای در بند سرمایه، بسود سراسر بشریت خواهد نواخت.

پیروز باد آرمان جاویدان کمون پیشرفت میکند. هیئتهای نمایندگی خواه در جلسات کنگره و خواه در جلسات دیگری که به مناسبت تشکیل کنگره در بنگاههای گوناگون سازمان داده شده بود، مشی اصولی مارکسیستی - لنینیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در جنبش کمونیستی جهانی، در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه برای صلح، آزادی خلقها، دمکراسی و سوسیالیسم تأیید کردند. اهمیت ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم و در ارتباط با آن اهمیت بین المللی نقشه های پنجساله شوروی را متذکر شدند. همانطوریکه نیکلای پادگرنی صدر شورای عالی اتحاد شوروی ضمن نطق افتتاحیه خود پیشگوئی کرده بود کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی یکبار دیگر واقعی بودن نقشه های وسیعی را که تجسم نیرو و خرد جمعی ۱۴ میلیون کمونیست و همه خلق شوروی است به ثبوت رسانید. با تشکیل کنگره بیست و چهارم مردم شوروی در مرحله مهمی از تاریخ خود گام نهاد و تردیدی نیست که با اجرای تصمیمات کنگره با موفقیت آنرا بسرانجام خواهد رسانند.

ح. فروردین

بدینوسیله اعلام میشود که د کتر حسن نظری عضو حزب توده ایران نیست.

دبیر خانه کمیته مرکزی

جنبش دانشجویان ایرانی بر سر دوراه

در ماه مارس ۱۹۷۱ دوازدهمین کنگره کنفدراسیون در فرانکفورت (آلمان غربی) تشکیل بود. این کنگره در زمانی تشکیل شد که دادستان نظامی ارتش کنفدرال سیون را متهم بفعالیت «کمونیستی» کرده و به استناد قانون سپاه خرداد ۳۱۰ عضویت در آنرا «جرم و قابل تعقیب» شناخته بود. به همین جهت کنگره اهمیت ویژه ای کسب کرد. همه دانشجویان و همه محافل مترقی که بسرنوشت جنبش دانشجویان ایرانی علاقمندند با دقت جریان کنگره را دنبال کردند. همه این محافل میخواستند ببینند که کنفدراسیون در برابر این «وضع جدید» چه راهی در پیش خواهد گرفت و وظایفی را که در مقابل اوست چگونه حل خواهد کرد: آیا به بحران و بن بستنی، که دیگر نیازی به اثبات ندارد، و مستقیماً نتیجه سیاست نادرست و زیان بخش گذشته است پایان خواهد داد؟ آیا سیاست اصولی و واقع بینانه ای که موافق مصالح جنبش دانشجویان ایرانی و منطبق با شرایط مشخص کنونی مبارزه است در پیش خواهد گرفت؟ آیا اتحاد همه نیروها را برای پیشبرد سیاست ضدامپریالیستی و دمکراتیک تحقق خواهد بخشید؟ یا زندگی باید هنوز درسهای عبرت آموز تری را به پیش آورد، تا بتوان بر گمراهیها و کج رویها غلبه کرد و سنت درخشان جنبش دانشجویان ایرانی را در مبارزه بخاطر خواستههای صنفی و سیاسی دانشجویان با قدرت و استحکام بیشتری ادامه داد؟ پاسخ به این سئوالها را نه فقط هر دانشجوی مترقی ایرانی بلکه هر مین پرست ایرانی میطلبد.

اعتراض به سیاست ضد دمکراتیک رژیم

تصمیم غیر قانونی و ضد دمکراتیک دایکتان نظامی ارتش در باره کنفدراسیون بسی خشم و اعتراض همه دانشجویان را برانگیخته بود و این واکنش در کنگره کنفدراسیون منعکس بود. سیاست ضد دمکراتیک رژیم با این تصمیم بیش از پیش فاش شد و واکنش طبیعی آن تصمیم با اعتراض و مقاومت در برابر این تصمیم بود. این روحیه اعتراض و مقاومت در برابر سیاست ضد دمکراتیک رژیم و تصمیمات غیر قانونی آن اگر از برخورد های احساساتی و چپ روانه و ماجراجویانه بری شود، اگر موجب اتحاد همه دانشجویان، صرف نظر از تفاوت و اختلاف در عقاید سیاسی و مسلکی گردد، اگر به مجرای صحیح یفتد و از آن استفاده اصولی شود، مثبت است و میتواند هم موجب تقویت جنبش دانشجویان ایرانی گردد و هم رژیم را وادار بعقب نشینی کند.

روش اصولی تقویت میشود

مبارزه اصولی دانشجویان آگاه و مترقی که با حوصله و بیگیری تمام و علیرغم تهمتها و توهینها و ناسزا های عناصر چپ رو و چپ نما طی سالهای گذشته انجام گرفته، همراه با درسهای عبرت آموز مبارزه و تجربه

پل ها را برای بازگشت به مشی صحیح پشت سر خود شکسته اند و حتی قصد بازگشت به ایران هم ندارند چگونه بخود اجازه میدهند با سرنوشت هزاران نفر از دانشجویانی که میباید به ایران باز گردند بازی کنند؟ این مسؤلیتی است که از جانب جنبش دانشجویان ایرانی و نهضت ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران هر گز فراموش نخواهد شد.

چپ روها و «چه باید کرد؟»

جالب است که تجمع تمام «تئوریسینها» و «ایدئولوگها» و «رهبران» چپ رو در کنفرانس و کنگره نتوانست بالاخره دقیقاً به این سئوال پاسخ دهد که در برابر وضع جدید «چه باید کرد؟» اینها که دچار سر گیجه و سردرگمی شده بودند و عجز کامل خود را در تحلیل وضع مشخص کنونی و تعیین مشی آینده نشان دادند، سر انجام و عملاً همان چیزی را تکرار کردند که ورشکستگی آن مدتهاست آشکار شده.

آنها بجای پاسخ به سئوال «چه باید کرد؟» به این برداشتند که چرا رژیم این تصمیم را گرفته است؟ و در این زمینه هم چنان مطالب نامربوط و نادرستی بهم بافتند که بیش از آنکه خنده آور باشد تأسف آور است. آنها باز هم هر جا که در برابر استدلالات دانشجویان آگاه و مترقی و اماندند - و همه جا و ماندند - به اتهام و توهین و ناسزا دست زدند و باز هم حربه کهنه و ارتجاعی ضد توده ای و ضد شوروی را بکار بردند. آنها باردیگر نشان دادند که همراه با بن بست و بحرانی که کنفدراسیون را با آن روبرو کرده اند، خود با بن بست و بحران، با ورشکستگی و از هم پاشیدگی روبرو هستند.

تکیه به قانون برای مبارزه

با اینهمه برای اینکه بفهمیم بالاخره چپ روها و چپ نماها ادامه سیاست نادرست و زیانبخش گذشته را چگونه توجیه میکنند، از انبوه مطالبی که در کنفرانس و کنگره و خارج از آن از جانب چپ روها و چپ نماها بیان میشد دو «استدلال» بنظرمان قابل بحث آمد:

نخست اینکه قانون اساسی ارتجاعی است و یا قسمتی از آن ارتجاعی است و بنا بر این ما نباید به آن تکیه کنیم و خود را در چارچوب آن محدود سازیم.

اگر بگوئیم این بمعنی تأیید رژیم است ممکن است در نظر اول عجیب بنظر آید، ولی این عین واقعیت است. همه مردم ایران معتقدند که این رژیم کنونی است که قانون اساسی را زیر پا گذاشته و این جنبش مردم ایران است که باید برای حفظ و اجراء حقوق و آزادیهای دمکراتیک مصرح در قانون اساسی مبارزه کند. گفتن اینکه نباید به قانون اساسی تکیه کرد یعنی قانون اساسی متعلق به رژیم است و رژیم مدافع آنست.

شخصی توده های دانشجو بیش از پیش نادرستی و زیانبخش بودن سیاستی را که از طرف عناصر چپ رو و چپ نما به کنفدرالسیون تمحیل شده، بثبوت میرساند. این واقعیت را میشد در کنفرانسی که قبل از تشکیل کنگره کنفدراسیون به بحث در باره مشی آینده کنفدراسیون اختصاص داده شده بود، مشاهده کرد. منشوری که در کمیسیون مربوطه بتصویب رسید و منعکس کننده بحثهای کنفرانس بود، علیرغم برخی نقائص و کمبودها و نکات قابل انتقاد، بطور کلی مثبت بود و میشد آنرا گامی بجلو و درجهت غلبه بر اشتباهات و انحرافات گذشته کنفدرالسیون تلقی کرد. این منشور میتواند زمینه و پایه ای برای ادامه و تشدید مبارزه بخاطر طرد کامل مشی انحرافی گذشته قرار گیرد، کنفدراسیون را از بحران و بن بست کنونی نجات دهد و توده های دانشجو را برای دفاع از منافع صنفی و سیاسی خود تجهیز کند.

روش خرابکارانه چپ روها و چپ نماها

ولی متأسفانه چنین نشد. چپ روها و چپ نماها که «خطر» را احساس کردند به تلاش تب آلودی افتادند. آنها تمام نیروی خود را بکار انداختند تا از تصویب این منشور که نخستین گام جدی برای طرد سیاست چپ روها و چپ نماها و بمنزله محکوم کردن این سیاست و مجریان آن بود، جلو گیری کنند. و در این راه طبق معمول خود از اتهام و توهین و ناسزا گرفته تا شائناژ و ارباب و سوء استفاده از احساسات خشم آلود دانشجویان بر ضد تصمیم دادستان ارتش در باره کنفدراسیون دریغ نکردند، و متأسفانه موفق شدند. منشور در سو کمیسیون بعدی پس گرفته شد و منشور دیگری که بجای آن آمد در واقع همان چیزی است که تا بحال به آن عمل شده و تا کنون لطمات جبران ناپذیر به جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدرالسیون زده است.

مسئولیتی که فراموش نخواهد شد

بدینسان چپ روها و چپ نماها با روش خرابکارانه خود بار دیگر تکامل جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون را ترمز کردند. در زمانیکه رژیم با سیاست ضد دمکراتیک خود میخواهد جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون را سرکوب کند ادامه سیاست گذشته چپ روها و چپ نماها، که به کنفدراسیون تمحیل شده، بمعنای ادامه بحران و بن بست است که کنفدراسیون با آن روبرو است و دیگر حتی برای موجودین آنهم پوشیدنی نیست. ادامه این بحران و بن بست یعنی فلج کردن کنفدراسیون و سر انجام محکوم کردن آن به تلاشی. این است همکاری و سازش با رژیم! اینست آب به آسیاب دشمن ریختن! و این واقعیت را هیچگونه جمله پردازی انقلابی و هیچ انقلابی بگیری کاذبی نمیتواند پوشاند. گذشته از این کسانی که با انگیزه های گوناگون تمام

ملاحظه میشود که آن ظاهر انقلابی چگونه ارتجاعی از آب در میآید. گذشته از این مگر کنفدراسیون حزب سیاسی است، دارای ایدئولوژی واحد است، میخواهد انقلاب کند و قانون اساسی جدید تنظیم نماید؟ آیا این همان سیاستی نیست که با خصلت توده ای و دمکراتیک کنفدراسیون و جنبش دانشجویی مباحث دارد؟

ضمناً جالب است که همین کسانی که مبارزه در چارچوب قانون اساسی را رد میکنند بناچار در مبارزات روزانه باز هم به همین قانون تکیه میکنند. تناقض در حرف و در عمل از مختصات چپ روها و چپ نماهاست. از این واقعیت گریزی نیست، «استدلال» دیگر اینست که رژیم به قانون اعتنائی ندارد و تکیه به قانون اساسی در مبارزات بیفایده است.

سئوال اینست که پس برای چه مبارزه میکنید؟ پس چرا میگوئید باید مبارزه کرد تا رژیم بعقب نشینی وادار شود؟ جز با تکیه بقوانینی که رژیم زیر پا گذاشته، جز مبارزه برای اجراء این قوانین از طرف رژیم، جز مبارزه برای وضع قوانین دمکراتیک چه راه دیگری برای یک سازمان دمکراتیک و توده ای وجود دارد تا به مطالبات صنفی و سیاسی خود تحقق بخشد؟ آیا این روش بظاهر انقلابی در واقع ارتجاعی نیست که مبارزه - مبارزه اصولی، خلاق، واقع بینانه و ثمر بخش را بیفایده میداند؟ آیا این سیاستی نیست که جنبش را به تسلیم و شکست میکشاند؟

تجربه هم در تئوری هم در عمل ثابت کرده است که یک سازمان دمکراتیک و توده ای در مین ما میتواند بدون اینکه خصلت دمکراتیک و مترقی خود را از دست دهد، در چارچوب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر مبارزه کند. این مبارزه البته با چپ روی و سکتاریسم و ماجراجویی هیچگونه پیوندی ندارد. این مبارزه البته طولانی، بغرنج و دشوار است. حتی این مبارزه هم با فشار و تضییق رژیم روبرو است و روبرو خواهد بود. ولی فقط و فقط چنین مبارزه ایست که میتواند توده های وسیع را جلب و تجهیز و متشکل کند. فقط و فقط چنین مبارزه ای است که میتواند بتدریج رژیم را بعقب نشینی وادارد و خواست های صنفی و سیاسی یک سازمان دموکراتیک و توده ای را بتدریج تحقق بخشد. فقط و فقط چنین مبارزه ایست که میتواند به جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران کمک کند.

وظیفه دانشجویان آگاه و مترقی

دانشجویان آگاه و مترقی، که دارای عقاید سیاسی و مسلکی گوناگون هستند، ولی در مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک دارای وحدت نظرند، میتوانند بخود بیالند که طی سالهای گذشته بدون ترس از اتهام و توهین و ناسزا از جانب چپ روها و چپ نماها و دنباله در صفحه ۶

همه با هم از زندانیان سیاسی دفاع کنیم!

به ابتکار حزب ما، روز ۲۱ اردیبهشت روز شهادت قهرمان ملی ایران خسرو روزبه روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و دفاع از آنان اعلام شده است. در اعلامیه‌ای که سال گذشته کمیته مرکزی حزب توده ایران باینمناسبت منتشر نمود گفته شده است: «ما از تمام نیروها و عناصری که علیه رژیم استبداد شاه میرزمند دعوت میکنیم این روز را بعنوان روز زندانیان سیاسی بر گزار کنند و بدینسان یاد کرد از شهادت خسرو را به يك عمل رزم آوارانه همبستگی با مجاهدان زندانی بدل نمایند.» حزب ما پیوسته پیشا پیش همه نیروها و وظیفه دفاع از زندانیان سیاسی را بر عهده گرفته و در این راه لحظه ای هم غفلت نداشته است. اینکه حزب ما دفاع از زندانیان سیاسی ایران را وظیفه ضرور خود میدانیم چنانکه گرا را خاطر نشان نموده ایم بهیچوجه بمعنای موافقت با عقاید و نظرات همه آنها، موافقت با اعمال و اقدامات جداگانه این یا آن گروه سیاسی نیست. دفاع ما از زندانیان سیاسی صرفاً بمعنای دفاع از حقوق و آزادیهای مردم، دفاع از قانون اساسی و اعتراض به قانون شکنی و زور گوئی رژیم است. ما در شرایط مشخص کنونی خواستار اجرای اعلامیه حقوق بشر و موازین قانون اساسی درباره حقوق و آزادیهای دمکراتیک هستیم و باینجهت به اقدامات خود سرانه رژیم که حد و مرزی نمیشناسد و کمترین حرمتی برای حقوق و آزادی مردم قائل نیست شدیداً معترضیم. اینست محتوی دفاع ما از زندانیان سیاسی صرفنظر از آنکه مخالف و یا موافق ما باشند یا نباشند.

بر سر نوشت مردم قانون باید حکومت کند و نه سازمان امنیت

قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، تکلیف حقوق و آزادیهای مردم را به تفصیل روشن نموده است. مردم حق دارند آزادانه بیندیشند و احدی را اختیار آن نیست که اندیشه و عقیده مردم را کنترل کند. مردم حق دارند سازمانهای سیاسی و صنفی خود را بوجود آورند و یا بهر سازمان سیاسی و صنفی که در راه عملی ساختن مطالبات آنان مبارزه کنند، بگروند و هیچ دولت و هیچ مقامی حق ندارد مانع وجود سازمانهای اصیل صنفی و سیاسی و مانع فعالیت مردم در این سازمانها شود. هر دولتی و هر مقامی که خلاف این عمل کند، همچنانکه رژیم ایران در ۱۸ سال اخیر عمل نموده است، اراده خود را مافوق قانون قرار داده است.

انقلاب مشروطیت ایران آنهمه قربانی داد تاحقوق ارگانهای مقننه، مجریه و قضائیه روشن و متمایز و حقوق مردم محفوظ باشد. حال اگر رژیم وظایف و حقوق این ارگانها را مسخ کند و یک سازمان جاسوسی و آدمکش را بر سر نوشت مردم حاکم سازد که هم نماینده مجلس انتصاب کند و هم قوه مجریه را زیر مهمیز داشته باشد و هم بجای

ارگانهای قضائی عمل کند و هم حقوق مردم را لگد کوب کند، چنین رژیمی رژیم زور و خودسری است و در چنین شرایطی مردم حق دارند برای حکومت قانون مبارزه کنند.

واکنشهای خشن در برابر

خواستهای منطقی

رژیم ایران مایل نیست خود را تابع مقررات و موازین قانونی سازد و بدینجهت در برابر همه خواستها و تقاضاهای مردم واکنشهای خشن نشان میدهد. نمونه هائی ذکر میکنیم:

اعتراض دانشجویان دانشکده حقوق به برنامه امتحانات و اعتصاب دانشجویان دانشگاه ملی به گسرانی شهریه موجب دستگیری و زندانی کردن عدهای از دانشجویان شد. در حالیکه گرانی شهریه دبیرستانهای دانشگاه ها و بلشوی برنامه امتحانات دانشکده ها و کنکور ها امری است که حتی سر و صدای روزنامه های دولتی را هم بلند نموده است. دولت بجای رسیدگی و دادن پاسخ منطقی به خواستهای منطقی دانشجویان آنها را بدست مأموران شکنجه سپرد و زندانی کرد. پخش اعلامیه اعتراض به سرمایه گذاری امریکا تنها در ایران موجب کشتن مهندس نیک داودی و آیت اله سعیدی در شکنجه گاه های سازمان امنیت شد.

طرح خواستهای قانونی حزب توده ایران از جانب اعضاء حزب ما، مجازات تعقیب و شکنجه و تبعید و مرگ در پی دارد. رژیم ایران تحمل هیچ فریاد مخالفی را ندارد.

«شکنجه های فوق العاده وحشتناک»

شکنجه گاههایی که پس از کودتای ۲۸ مرداد برای «گرفتن اقرار» از زندانیان سیاسی و اجبار آنان به «ابراز ندامت» تهیه شدند همچنان و علی رغم تکذیب سخنگویان رژیم ادامه دارد. تمام نمایندگان سازمانهای بین المللی که در چند ساله اخیر به ایران رفته اند، به وجود شکنجه در مورد زندانیان سیاسی اشاره کرده اند. چند ماه پیش یعنی در اسفند ۱۳۴۹ یک وکیل فرانسوی به نمایندگی کمیسیون حقوق بشر و یک وکیل ایتالیایی به نمایندگی انجمن بین المللی حقوقدانان به تقاضای کنفدراسیون دانشجویان ایرانی برای شرکت در محاکمه گروه ۱۸ نفری فلسطین عازم ایران شدند. آنها پس از مراجعت، طی یک مصاحبه مطبوعاتی پرده از جنایات سازمان امنیت ایران در مورد زندانیان سیاسی برداشتند. وکیل فرانسوی میگوید: متهمین همه گسی اظهار کردند که مورد شکنجه قرار گرفته اند. چشم یکی از متهمین بنام «کاخساز» بر اثر شکنجه کور شد و وقتی من انگشتم را بطرف چشم او بردم هیچ عکس العملی نشان نداد. در سرش جراحتی به عمق چند سانتیمتر وجود داشت هنگام صحبت با او متوجه شدم که تمرکز فکری ندارد و بشدت ضعیف شده است. او دائماً سرش را روی میز میگرداند

و میگفت قدرت فکر کردن ندارد. بر روی ساق پاها و زانوهای پاک نژاد یکی دیگرازمتهان جراحاتی وجود داشت و یک گوشش کاملاً کمر شده بود. وقتی با او صحبت میکردم گوش دیگرش را نزدیک میکرد.

شکراه پاک نژاد بدون بیم از شکنجه گران در دادگاه نظامی جریان شکنجه اش را چنین توصیف میکند: «پس از دستگیری در تاریخ ۸ دیماه ۱۳۴۸ فوراً مرا بسازمان امنیت خرمشهر بردند. در آنجا سه نفر با زور بضرب مشت و لگد مرالخت کرده باصطلاح بازدید بدنی کردند. از ساعت ۸ بعد از ظهر یا یک بعد از نیمه شب باز جوئی توام با مشت و لگد ادامه یافت. فردای آنروز مرا به زندان شهر بانی آبادان منتقل کرده و در یکی از مستراح های آن زندان محبوس کردند. یک هفته در این مستراح تنها با یک پتوی سربازی بدون لباس روزانه تنها با یک وعده غذا گذراندم... در بدو ورود به زندان اولین بازجوئی همراه با شکنجه شروع شد. بدین ترتیب که دو نفر بناهای عطا پور مشهور به دکتر حسین زاده و دیگری ییگلری مشهور به مهندس یوسفی با چک و مشت و لگد بجان من افتاده قریب یکساعت متوالی مرا زدند. بعد مرا پشت میز نشاندند و از من خواستند بنویسم که کمونیست هستم و بکار جاسوسی اشتغال داشته ام و چون من امتناع کردم بدستور رضا عطا پور دو نفر درجه دار آمده و مرا روی زمین خواباندند و با شلاق سیمی سیاه رنگی بجان من افتادند و با اتفاق ییگلری بیش از سه ساعت متوالی با شلاق و مشت و لگد مرا میزدند و بترتیب نوبه عوض میکردند و رفع خستگی نمینمودند. در جریان زدن شلاق من دو بار بیهوش شدم. تمام بدنم کبود شده خون از پشت من راه افتاده بود. چند بار بمن دستبند چپانی زده و مرا روی چهار پایه قرار داده و وادار کردند یک پایم را در هوا نگه دارم و هر چند دقیقه یکبار با لگد چهار پایه را از زیر پای من پرت کرده و مرا روی زمین می انداختند، رز سوم دز اثر کشیده های محکمی که عطا پور بگوش چپ من مینواخت خون از گوش من راه افتاد که منجر به پاره شدن پرده گوش چپ من شده است. گوش چپ من بکلی قوه شنوایی خود را از دست داده است.»

پاک نژاد ادامه میدهد: «روز سوم ساعت تقریباً ۱۰ بعد از ظهر مرا چشم بسته از سلول انفرادی زندان وحشتناک اوین بیرون کشیده بداخل باغ زندان بردند، در حالیکه چشمهایم بسته بود مرا بجلو میراندند، صدای عطا پور و ییگلری را شنیدم که پیچ و پیچ میکردند و گاهی می شنیدم که درباره من حرف میزنند. قار قار کلاغها، سرمای دیماه، درد زخم شلاق ها، درد گوش چپ صدای منحوس عطا پور و ییگلری جلادان ساواک که مرتباً همدیگر را دکتور و مهندس صدا میزدند سخت آزار دهنده بود. مرا

بدرخت بستند، صدای پای عدهای همراه دستور های خشکی که صادر میشد روشن میکرد که جوخه اعدام را صدا کرده اند. عطا پور رأی دادگاه را میخواند: شکراه پاک نژاد بجرم سوء قصد بجان اعلیحضرت همایونی و ارتباط با دولت خارجی بانفاق آرا محکوم به اعدام شده است. بعد دستور داد که جوخه آماده باشد و مرتباً یادآوری میکرد که تو در کنار مرز عراق دستگیر شده ای و کسی از توقف تو اطلاع ندارد و همه فکر می کنند تو به عراق رفته ای و هیچکس از اعدام تو اطلاعی نخواهد یافت. پس از صدای گنگدن تفنگ ها و پس از صدور فرمان آتش صدائی شنیده شد. پس از چند لحظه پیچ پیچ عطا پور فریاد زد: این چه وضعیتی است؟ چرا دستور صادر می کنید و بعد لغو میکنید؟ مگر بچه بازیست و با صدای بلند قدری دشنام بمن داد. مرا از درخت باز کردند...» چنین است شرح بخشی از شکنجه ها که به پاک نژاد داده شده ولی در دفاعیه خود از شکنجه های دیگر مانند کشیدن ناخن سیاه چپ و ناخن کوچک است راست نیز یاد میکند.

وکیل فرانسوی «مینیون» در مصاحبه مطبوعاتی شکنجه ها را «فوق العاده وحشتناک» توصیف نمود و گفت یکی از متهمان چندین بار در صدد خودکشی و زدن رگ بر آمده است. این شکنجه های «فوق العاده وحشتناک» هفده سال است که ادامه دارند و دولت ایران در عین ادعای سالوسانه دفاع از اعلامیه حقوق بشر یکی از بزرگترین نقض کنندگان این اعلامیه جهانی است و مأموران عذاب او از جلادان هیتلری تقلید میکنند.

دست نظامی ها از دادگاهها کوتاه

دادگاههای نظامی بر خلاف کلیه موازین قانونی از یک پدیده استثنائی به یک پدیده عمومی و دائمی تبدیل شده اند. اینها تمام اختیارات دادگاههای دادگستری را بر مورد رسیدگی به جرائم سیاسی از آنها سلب کرده و بخود تخصیص داده اند. از هنگامی که متهم از کوچه و خیابان ربوده میشود تا پای چوبه تیر باران و یا انتقال قطعی بزندان سر و کارش با نظامی هاست. آنها هستند که زندانی سیاسی را بازپرسی میکنند، شکنجه میدهند، پرونده متهم را از مدارک ساختگی و جعلی پر میکنند و در سرحد مرگ و زندگی از او تصدیق و تأیید میگیرند و بالاخره همین نظامیها هستند که ادعا نامه تنظیم میکنند و سپس بر مسند قضاوت می نشینند و بدون کمترین احساس مسئولیت احکام مرگ و حبسهای دراز مدت صادر میکنند. وکلای مدافع نیز که هم نظامی اند و هم تسخیری، بنده گوش بفرمان دادستان نظامی اند. هیچ وکیل مدافعی نیست که بتواند آزادانه و با توجه بمسئولیت خطیری که در دفاع از شرف و حیثیت و جان موکاش بر عهده اوست از متهم دفاع کند و در موارد بکلی استثنائی، از جمله در مورد محاکمه گروه دکتور بازرگان، وکلای مدافعی که دنباله در صفحه ۵

زحمتکشان ایران مبارزه میکنند

و اداری کرد که در جلسه‌ای با حضور نمایندگان کارگران بقمستی از خواستهای آنان تن در دهند و پس از پایان اعتصاب بخواستهای دیگر آنها نیز رسیدگی نمایند. باین ترتیب اعتصاب با پیروزی هزاران نفر کارگر پایان یافت. در جریان اعتصاب انبوه کارگران شرکت واحد در خیابان سی متری جلوهای از نیروی بخشی از زحمتکشان کشور ما بود که برای بهبود زندگی و احقاق حق خود بپا خاسته‌اند. اطلاعات ۱۲ اسفند در این باره چنین نوشت: «چندین هزار نفر رانندگان شرکت واحد بخط منظم در ضلع غربی خیابان سی متری نارمک مستقر شده و بطور ایستاده با همدیگر مذاکره میکردند...» سپس اضافه کرد که «این وضع تا عصر دیروز که نتیجه مذاکرات نمایندگان کارگران با مقامات مسئول اعلام شد و به پیروزی کارگران ختم گردید» ادامه داشت.»

اینها نمونه‌های غیر قابل انکاری از رشد و آگاهی طبقه کارگر ایران است که موجودیت خود را تثبیت کرده و با مبارزه خود راه را برای آینده بهتری باز میکند. اکنون برای ارتجاع و رژیم مطلقه ایران ثابت گردیده که نمیتوان این طبقه رزمنده، ایجاد کننده و نوجوان را نادیده گرفت. باین دلیل است که در مقابل این نیروی دائم التزاید راه اعمال قهر و سرکوبی را کافی نمیداند و ناچار است دست بعقب نشینی بزند، دیگر نه تنها کلمه کارگر و اعتصاب در فرهنگ ایران وجود دارد بلکه «جانبداری» از کارگر و شرافت کارگر و نظائر این گونه کلمات ورد زبان شاه و حکومت ایران است.

وزارت کار، قانون کار، بیمه‌های اجتماعی و ایجاد سندیکاها با آنکه فاقد معنای واقعی خود هستند مع الوصف نشانه عقب نشینی دستگاه حاکمه در مقابل واقعی است که باین دستگاه تحمیل شده است. طبقه کارگر ایران از همان اوان پیدایش خود زیر رهبری حزب کمونیست ایران و سپس حزب توده ایران مبارزه پرداخته و دارای سنت‌های با ارزشی است که بدان الهام میبخشد و راه مبارزه را نشان میدهد، شکی نیست که جنبش طبقه کارگر ایران با رشد این طبقه که امری مسلم و غیر قابل تردید است توسعه دامنه بیشتری خواهد یافت و قدرت حاکمه را بعقب نشینی‌های تازه‌ای وادار خواهد کرد. در حال حاضر وظیفه کارگران ایران تشکیل هرچه بیشتر وحدت و همبستگی هرچه محکمتر و حد اعلا استفاده از امکاناتی است که بصورت ظاهر دستگاه حکومتی تحت عنوان سندیکا و قانون کار شورای کارگاه و غیره در دسترس آنها گذارده است. مبارزه برای تبدیل سندیکاها بسندیکا‌های واقعی، مبارزه برای اجرای واقعی قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و اصلاح آنها، مبارزه برای بالا بردن مرد و کم کردن ساعات کار، مبارزه برای کوتاه کردن دست

زحمتکشان ایران علیه استثمار کنندگان رشد و توسعه می‌یابد و جنبش اعتصابی در کشور ما اوج میگردد. ظرف یکسال و چند ماه اخیر چندین اعتصاب بزرگ بوقوع پیوسته که همه با پیروزی ولو نسبی همراه بوده است از جمله اعتصاب کارگران شرکت نفت در فروردین ماه سال ۱۳۴۹ اعتصاب عمومی مردم تهران علیه شرکت واحد اتوبوسرانی و سرانجام در یازدهم اسفند امسال اعتصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی در تهران است. ما در اینجا از اعتصابات مکرر دانشجویان که منجر بتعطیل دانشگاه‌های مختلف کشور شد و یا اعتصابات دیگرگری بمان نیاوریم. در این مبارزات اعتصابی یکپارچگی و وحدت عمل شرکت کنندگان همه جا وجود داشت. اعتصاب در شرکت ملی نفت در جنوب اکثریت قریب با اتفاق کارگران را همراه گرفت و تهدیدهای سازمان امنیت و فرماندهان ارتش و ژاندارمری نتوانست کارگران را از مبارزه باز دارد. اعتصاب مردم تهران علیه شرکت واحد چنان نیرومند و دامنه دار بود که حکومت را دست پاچه کرد و آنرا وادار نمود که با سرعت هرچه تمامتر با قیافه‌ای عوام فریبانه افزایش بهای بلیت اتوبوس را کان لم یکن کند و باعتصاب همگانی که بسرعت رنگ سیاسی بخود میگرفت پایان بخشد. اعتصاب رانندگان و کمک رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی چنان متحد و وسیع بود که روزنامه کیهان تحت عنوان «کارگران شرکت واحد دست از کار کشیدند» چنین نوشت: «از بامداد امروز به علت دست از کار کشیدن رانندگان و کمک رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی، شهر تهران قیافه دیگری بخود گدازید و در خیابانها و معابر پایتخت انبوه مسافران که در حال انتظار و بلا تکلیف بودند بچشم میخورد» اطلاعات تحت عنوان «در حاشیه اعتصاب دیروز» بطرز طنز آمیز وضع مسافران را چنین مجسم نمود: «دیروز پاهای مسافران اتوبوس‌ها نقش بهترین مطمئن‌ترین وسیله نقلیه عمومی را ایفا کرد و بقول ظریفی خطوط ۱۸ و ۱۱ دیروز دایر بود!!!» در مورد علت اعتصاب، کیهان از قول نماینده سندیکای رانندگان شرکت رانندگان شرکت واحد نوشت: «ما سندیکا داریم و از چندی قبل بوسله سندیکا خواست هایمان را با مسئولین شرکت واحد مطرح کردیم ولی بآنها توجه نشده است.» او گفت که «ما مطالب آن هستیم که قانون کار در باره ما تمام و کمال اجرا شود و میخواهیم پول نهاری که بما میدهند جزء حقوقمان باشد میخواهیم هر سال ۴۵ روز پاداش و عیدی بما بدهند و مسئله لباس ما حل شود.» اتحاد و همبستگی رانندگان چنان محکم بود که حتی یک اتوبوس هم در روز ۱۱ اسفند ماه از جای نجیب و مبارزه آنان دست‌گناه دولتی و حزب وابسته بدولت و مدیران شرکت واحد را

همه باهم از زندانیان سیاسی دفاع کنیم!

میشود. زندانها فاقد ابتدائی ترین وسیله بهداشت، فاقد غذای قابل خوردن هستند. زندانیان سیاسی بر اثر شرایط دشوار زندان به انواع بیماریها دچارند و مقامات زندان از تأمین شرایط لازم برای معالجه و مداوای آنها سر باز میزنند. ملاقات زندانیان همراه با انواع محدودیت‌ها، اشکال تراشی‌ها، توهین و تحقیر است. در چنین شرایطی دلبران یکپارچگی که بخاطر دفاع از حیثیت انسانی و آرمانهای عالی خود، تمام جوانی خویش را در درون این سیاه نچالها گذرانده و تسلیم ناپذیر مانده‌اند، درود و تحسین نیروهای مترقی سراسر جهان را بهمراه خود دارند.

ضرورت همبستگی با زندانیان سیاسی

و وحدت عمل نیروها

زندانیانی که اسیر جلادان رژیم اند به باری ما نیازمندند. وظیفه همه نیروهای مبارز و مترقی است که از هیچ حمایت مادی و معنوی زندانیان سیاسی و خانواده‌های رنج کشیده آنان دریغ نورزند. برای اجبار رژیم به رعایت قانون، انحلال سازمان امنیت و دادگاههای نظامی، الغاء شکنجه و ارجاع جرائم سیاسی به دادگاههای دادگستری، مبارزه متحد و عودت همه نیروهای مترقی و میهن پرست ضروری است. هر قدر این مبارزه فشرده تر، در یک جبهه و زیر شعار واحد انجام گیرد، قدرت مقاومت رژیم کمتر و امکان پیروزی بیشتر است. اما هر قدر این مبارزه پراکنده تر، در جبهه‌های گوناگون و با شعارهای گوناگون عملی شود قدرت مقاومت رژیم در برابر آن بیشتر و امکان پیروزی کمتر است. با توجه به این امر، بهر عنوان و دستاویزی که در راه مبارزه واحد نیروها برای تأمین آزادیهای دموکراتیک تفرقه اندازی شود، عملاً کمکی است به رژیم استبداد. آنها که این رسالت نامیوم را بر عهده گرفته‌اند باید در آینده جوابگوی ملت ایران باشند.

درد زندانیان سیاسی که مظهری از مبارزه و یابرداری خلقهای ایرانند!

مینو

شماره حساب بانکی بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشر زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بوقت اطلاع دهند.

بخواهند صادقانه از حقوق خود و موکلین خویش دفاع کنند، سرنوشتی بد تر از سرنوشت موکلین خود خواهند داشت. در دادگاههای نظامی هیچگونه ضمانت دفاعی برای متهم وجود ندارد و قصاص باینداری و بایبندی متهم در دادگاه، با شکنجه از او گرفته خواهد شد.

شرایط عمومی زندان

چنانکه بارها نوشته ایم شرایط عمومی زندانها بهیچوجه متناسب با شئون انسانی و اجتماعی زندانیان سیاسی نیست. کنار هم قرار دادن زندانیان سیاسی با قاتلان و چاقو کشان حرفه‌ای، شیوه‌ای است که سازمان امنیت برای اعمال فشار روحی بر زندانیان اعمال میکند. زندانهای تنگ و تاریک و نور، بدون هوا و بدون آفتاب سالهاست که بهترین مبارزان میهن ما را در خود جای داده‌اند. از آنجمله اند اعضا حزب ما: صفر قهرمان از سال ۱۳۲۶، بدرالدین مدنی از سال ۱۳۳۲، سروان تقی کی منش، سروان عباس حجری، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر، ستوان یکم علی عمویی، ستوان دوم رضا شلتوکی، ستوان دوم ابو تراب باقر زاده افسران دلیر و تسلیم ناپذیر عضو حزب توده ایران از سال ۱۳۳۳، دکتر بنی طهره و مجید امین مؤید از سال ۱۳۳۷، علی خاوری و پرویز حکمت جو از سال ۱۳۴۵، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده و تقی معتمدی از سال ۱۳۴۶، زندانیان حادثه کردستان، عده‌ای از روحانیون مترقی، عده‌ای از کارگران و کارمندان، پیشه‌وران و بازا-ریان میهن پرست و جمعی از روشنفکران و دانشجویان وابسته به سازمانهای مختلف سیاسی و عده‌ای از میهن پرستان کرد.

در زندانهای سازمان امنیت، انواع فشارهای روحی و جسمی به زندانیان وارد

عوامل سازمان امنیت از محیط کارگری و مبارزه برای آزاد کردن سندیکاها و آراء کارگران از وابستگی باحزاب دولتی، در دستور روز مبارزات طبقه کارگر ایران قرار دارد. در تمام این زمینه‌ها میتوان و باید مبارزه کرد و پیروز شد. اینگونه مبارزات است که زمینه را برای مبارزات بزرگتری که محصول آنها بدست آوردن پیروزیهای سیاسی است آماده میکند. بدون تشکیل زحمتکشان و کشاندن آنها بمبارزه نمیتوان انتظار یک پیروزی سیاسی اصیل داشت. آنها که توده را نادیده میگیرند بدنیاال ماجرا میروند سخت در اشتباهند. اگر کسانی حقیقتاً مبارز و دوستدار خلقند باید در میان خلق کار کنند آنها را آگاه نموده و با بنیای آنها از ساده‌ترین مبارزات آغاز کنند، صبر و حوصله بخرج دهند تا شرایط برای پیروزی نهایی آماده گردد.

زنده باد جنبش زحمتکشان میهن ما

ا. گویا

دنباله از صفحه ۱

نیروهای انگلستان باید ...

قوای انگلیسی را تشکیل فدراسیون شیخ نشین های خلیج فارس قرار میدهد، شرط دوم آنست که: «انگلستان مایل است ارتش پشاهانگان عمان را که تحت نظر افسران انگلیسی است در اختیار فدراسیون بگذارد تا پایه و هسته یک ارتش جدید برای فدراسیون باشد». شرط سوم آنست که: «عناصری از قوای کنونی انگلیس در خلیج فارس و از جمله گروههایی از این قوا ممکن است بطور مداوم در این منطقه باقی بمانند.» شرط چهارم ناظر بر آنست که: «مانورهای تعلیماتی ممکن است با شرکت واحد های نیرو های زمینی و هوایی انگلیس بطور مرتب انجام شود.» بالاخره آخرین شرط آنست که: «کشتی های نیروی دریایی انگلیس ممکن است بطور مستقیم از این منطقه بازدید کنند.»

روزنامه اطلاعات از قول یک مقام عالی رتبه دولتی ایران نقل میکند که: «بررسی تحولات ۲۴ ساعته گذشته گویای این حقیقت بود که انگلیس تمام نظریات ایران را در مورد آینده خلیج فارس سر آورده است. ولی این دعوی با واقعیت تطبیق نمیکند. البته اعلام رسمی خروج نیرو های انگلیسی تا پایان سال ۱۹۷۱ بخودی خود بمنزله عقب نشینی امپریالیسم انگلستان از مواضع پیشین دولت محافظه کار است ولی در عین حال تعلیق خروج نیروهای انگلیسی به حصول شرایط مذکور، نه تنها ابقای حد اقل بخشی از نیرو های آن کشور را در خلیج فارس تأمین میکند، بلکه زمینه ایست برای آنکه آن کشور بتواند در صورت لزوم، مجدداً باین منطقه باز گردد.

دولت ایران در سالهای اخیر بارها اعلام کرده است که خلیج فارس متعلق به ساکنین اطراف خلیج است و با حضور و ابقای هیچ نیروی خارجی در خلیج فارس موافقت نخواهد کرد. این موضع سیاسی درستی است که مورد موافقت حزب و مردم ایران بوده و هست ولی دولت ایران نباید صداقت در گفتار را با کردار و عمل مشخص ثابت کند. دولت ایران با اعلام آن موضع صحیح اینک موافقت خود را با پیشنهاد های وزیر خارجه انگلستان چگونه توجیه میکند؟ نمیتوان از یکطرف خروج کامل نیرو های انگلیسی را از خلیج فارس مطالبه کرد و از طرف دیگر با پیشنهاد هایی موافقت نمود که لاقابل ابقای بخشی از این نیرو ها را در این منطقه تأمین میکند و عبارات دیگر عملاً به استعمار امکان میدهد «از در برود و از پنجره باز گردد». اگر خلیج فارس متعلق به ساکنین کشور های اطراف خلیج است، بچه عنوان دولت انگلستان بخود حق میدهد و ابراز تمایل میکند که مانور های تعلیماتی «با شرکت واحد های نیرو های زمینی و هوایی انگلیسی در این منطقه بطور مرتب انجام شود.» آیا مانور نیرو های زمینی و هوایی انگلستان در خلیج فارس، ناقض اصل تعلق خلیج به ساکنین اطراف

آن نیست؟

ما معتقدیم اکنون زمانی فرا رسیده است که میتوان و باید خروج بی قید و شرط نیرو های انگلیسی را از خلیج فارس مطالبه کرد و این مطالبه را از راه عمل سیاسی و مبارزه تحقق بخشید. استعمار انگلستان قرنها در این منطقه حکمفرما بود و حکمفرمایی آن انواع مصائب و بدبختی ها برای ملت های این منطقه همراه داشته است. ما در دوران اضحلال نهائی سیستم استعمار امپریالیستی زندگی میکنیم. دورانی که استعمار میتواند شرایط اسارت آور خود را بملت ها تحمیل کند گذشته است. با اعتقاد ما در دوران کنونی اصل تعلق خلیج فارس به ملت های ساکن منطقه، میتواند و باید بی قید و شرط و بی چون و چرا اجرا شود. دولت انگلستان حق ندارد و نمیتواند، خروج قوای خود را از این منطقه، بهیچ شرطی از هیچ نوع موکول کند و دولت ایران نیز اگر در روش خود پیگیر میبود نمایست سیاست انگلستان را در این زمینه «تأیید» کند و آنرا «تصمیم صحیح» بنامد.

در تبلیغات انگلستان غالباً گفته میشود که خروج قوای انگلیسی از خلیج فارس ممکن است به ایجاد تصادم و اغتشاش در این منطقه منجر شود. اولاً باید گفت که ملت های ساکن این منطقه به قیام و مرئی احتیاج ندارند، آنها منافع خویش را بخوبی میشناسند و بخوبی قادر به حفظ و دفاع از آنها هستند. ثانیاً روابط میان ملت های ساکن این منطقه هیچ امر متنازعی که از طریق مذاکره مسالمت آمیز قابل حل نباشد، وجود ندارد. بفرض اختلافاتی هم وجود داشته باشد، یا در آینده بوجود آید، مردم این منطقه میتوانند خود بهر نحو که صلاح بدانند در رفع آنها اقدام کنند. ثالثاً، اختلافات گذشته میان ملت های این منطقه در درجه اول ناشی از سیاست استعماری انگلستان، و نفاق افکنی های آن بوده است. مسلم است تا وقتی که استعمار طلبان انگلیسی، بهر شکلی از اشکال در خلیج فارس وجود داشته باشند، مردم این منطقه روی آرامش نخواهند دید.

ما بارها در اسناد رسمی خود متذکر شده ایم که با هر عمل دولت ایران که در جهت استیفا و تأمین حقوق مردم کشور ما انجام شود موافقت و از آن پشتیبانی خواهیم کرد. و در همانحال، با هر عمل در جهت معکوس شدیداً مبارزه خواهیم نمود. ما قبول پیشنهاد های جدید دولت انگلستان را از طرف دولت ایران خلاف منافع ملی ایران و خلق های دیگر ساکن خلیج فارس میدانیم. عمل دولت ایران در این مورد در حقیقت با دعاوی رسمی وی تعارض جدی پیدا میکند. دولت ایران طی سالهای اخیر بارها اعلام کرده بود که «در برابر بازگشت انگلیس از «پنجره» باین منطقه، بیکار نخواهد نشست، ولی روش کنونی دولت ایران در قبال زور گوئی امپریالیسم انگلستان چه اعتباری برای این قبیل اخطار های رسمی باقی میگذارد؟! ما در همانحال که معتقد بخروج بی قید

دنباله از صفحه ۱

جنبش دانشجویان ایرانی ...

بدون هراس از تضییق و تعقیب رژیم، شرافتمندانه و صادقانه، با شجاعت و صراحت و قاطعیت، با خونسردی و پیگیری برای پیشبرد مشی صحیح و اصولی در جنبش دانشجویان ایرانی و در کنفدراسیون مبارزه کرده اند. اینکه زندگی صحت نظریات، روشها و پیش بینیهای آنها را با ثبوت رسانده است بهترین پاداش برای آنهاست.

نتایج کنزگره کنفدراسیون ضمن تأیید و تشویق دانشجویان آگاه و مترقی به ادامه و تشدید مبارزه، آنها را در برابر وظائف سنگین تر و حساس تری قرار داده است. آنها باید با قاطعیت و صراحت و پیگیری بیشتر هم در داخل و هم در خارج کنفدراسیون

و شرط نیرو های انگلیسی در خلیج فارس هستیم. تصریح یکی دیگر از اصول نظریات خود را نیز در این مورد ضرور می شماریم. اصل تعلق خلیج فارس به ساکنین این منطقه، باین مفهوم است که تمام کشور ها و امارات خلیج طبق موازین متداول حقوق بین المللی در این منطقه حقوقی دارند که احترام متقابل بآنها لازم است. ما با تجاوز هر یک از کشور ها و امارات خلیج، به حقوق قانونی کشور خود بشدت مبارزه خواهیم کرد، ولی متقابلاً با هر گونه تجاوز احتمالی دولت ایران به حقوق سایر کشور ها و امارات این منطقه، بهمان اندازه مخالفتیم و آن را بهمان شدت محکوم میکنیم.

اخراً در مطبوعات ایران، بکرات از قدرت نظامی ایران صحبت میشود. بمنظور بسط این قدرت، بخش عظیمی از در آمد ملی ما، بکام سوداگران مرتک فرو میریزد. اگر غرض از سیاست تسلیح نظامی تجاوز به حقوق ساکنین اطراف خلیج است، باید گفت این سیاستی است نادرست که بهیچوجه با منافع واقعی مردم ایران تطبیق نمیکند. تنها نتیجه آن ایجاد تشنج در مناسبات ایران با ساکنین این منطقه است.

با اعتقاد ما خلیج فارس میتواند و باید طبق موازین حقوق بین المللی، مورد استفاده صلح آمیز تمام مردم این ناحیه قرار گیرد. منافع مردم کشور ما ایجاب می کند که پیوند های دوستی و تعاون میان مردم ما، و ساکنین ناحیه خلیج هر چه بیشتر بسط یابد ساکنین خلیج فارس بر روی دریائی از طلای سیاه زندگی می کنند. منابع زیر زمینی این ناحیه آقدر غنی است که صاحبان آن میتوانند در صورت تعاون با یکدیگر و ایجاد مناسبات اجتماعی - اقتصادی ترقیخواهانه در سرزمین های خود، در مدت کوتاهی بر میراث شوم استعمار غلبه کنند و پایه های یک زندگی نو و سعادت مند را استقرار بخشند. ما معتقدیم فقط در صورت اتخاذ چنین سیاستی است که میتوان برای ساکنین ناحیه خلیج یک زندگی روشن و مرفه پیش بینی کرد.

رامین

سیون برای پیشبرد مشی صحیح مبارزه کنند. وظیفه آنست که چپ رو ها و چپ نما ها هم در داخل و هم در خارج کنفدراسیون

منفرد شوند و توده دانشجوی بیش از پیش برای تحقق مشی صحیح جاب و تجهیز شود. باید با همان خونسردی و حوصله ای که در بخشی آن طی سالان گذشته بثبوت رسیده است زبانش بودن مشی انحرافی مسلط در کنفدراسیون را برای اکثریت هر چه وسیع تری از دانشجویان فاش ساخت. باید از آمادگی دانشجویان برای اتحاد و مبارزه در راه خواسته های صنفی و سیاسی استفاده کرد و جنبش دانشجویان ایرانی را بسطح عالی تری از درک ماهیت و خصلت و وظائف خود رساند.

جنبش دانشجویان ایرانی بر سر دو راه

در اینجا خطاب ما بهمه دانشجویان ایرانی است. جنبش دانشجویان ایرانی با سنت درخشان مبارزه خود و با ازسر گذراندن فراز و نشیبا اینک بطور قطع بر سر دو راهی قرار گرفته است: راهی که سالهای اخیر از طرف عناصر چپ رو چپ نما به جنبش دانشجویان ایرانی بطور اعم و کنفدراسیون بطور اخص تحمیل شده راهی است چپ روانه، سکتاریستی، ماجراجویانه؛ راهی است مابین با خصلت جنبش دانشجویی و سازمان دانشجویی؛ راهی است متضاد با منافع جنبش دانشجویی و کنفدراسیون. این راهی است که کنفدراسیون را با بحران و بن بست و خطر تلاشی روبرو کرده. این راهی است که عرصه را برای نفوذ و فعالیت عناصر مشکوک و مخرب - طبق اعتراف خود سازمان امنیت و نمونه های افشاء شده - باز کرده. این راهی است که عناصر شرافتمند و مبارز را در خطر فشار و تعقیب غیرلازم قرار داده است. این واقعیت برای هر کس که دارای عقل سلیم و حسن نیت است از روز روشن تر است. با این بار برای همیشه از این راه برگشت و عناصر چپ رو و چپ نما را، که مسئولیت تحمیل چنین راهی را بر کنفدراسیون دارند، بکلی طرد کرد.

راهی که باید در پیش گرفت راه مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک با حفظ ماهیت و خصلت یک جنبش دانشجویی و یک سازمان دانشجویی در چارچوب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر است. فقط با طرد راه گذشته و گام گذاردن در راه نوین - که سالهاست از طرف دانشجویان آگاه و مترقی پیشنهاد میشود - میتوان جنبش دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون را از بحران و بن بست نجات داد و بمبارزه شریخش در راه تحقق خواست های صنفی و سیاسی دانشجویان ادامه داد. مبارزه سالیان گذشته نشان میدهد که علیرغم دشواریها و بغرنجیها جنبش دانشجویان ایرانی دارای آنچنان نیروی سالمی هست که بتواند در این راه نوین گام گذارد. ما به این حقیقت ایمان داریم.

م. انوشه

اعدامهای تازه در ایران

آنها در دادگاههای نظامی قریباً آغاز خواهد شد.

حزب توده ایران باین حادثه چگونه برخورد میکند؟ ما قبل از آنکه وارد در ماهیت اینگونه عملیات مسلح، در شرائط کنونی ایران شویم، لازم میدانیم که معاکمه و محکومیت این افراد را که بر خلاف تمام موازین قانونی - حتی قوانین نظامی - در دادگاههای در بسته انجام شده است، قویاً محکوم کنیم. ما با اینگونه محاکمات، و این نحوه برخورد با حوادث - اعم از اینکه با آنها موافق یا مخالف باشیم - شدیداً مخالفیم. درباره خود حادثه، توضیح بیشتری لازم است. کمیته مرکزی حزب توده ایران در پلنومهای ۱۳ و ۱۴، اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران را مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار داد، و نتایج و شعارهای معینی از این بررسی و تحلیل استخراج کرده است. ما معتقدیم که در شرائط کنونی ایران، مقدمات عینی و ذهنی لازم، برای شروع و اجرای موفقیت آمیز اقدامات مسلح، اعم از قیام مسلح یا اقدامات پارتیزانی - وجود ندارد. شعار ما در شرایط کنونی، مبارزه برای احراز آزادیهای دموکراتیک مندرج در قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر است. ما معتقدیم که در شرائط کنونی، هرگونه عمل مسلح باعث فقدان شرائط انقلابی، عملی است. ماجرا جویانه، که بطور ناگزیر با شکست روبرو خواهد شد، اینگونه اقدامات، بمقامات حاکمه ایران امکان خواهد داد که فشار خویش را بر توده های مردم تشدید کنند، و عملیات تزیینی خود را در برابر افکار عمومی موجه جلوه گر سازند. ما سالهاست که با چپروان و گروههای مائوئیستی، در این باره مشغول مباحثه ایم. آنها مفهوم انقلاب اجتماعی را که کاملاً آن وابسته به پشتیبانی و شرکت توده های وسیع مردم است، تحریف میکنند. در نظر آنها عمل انقلابی، یعنی فقط عمل مسلح و عمل مسلح، و طیفه ایست که بطور مرم، بدون توجه به شرائط عینی و ذهنی اجتماعی، در برابر افراد انقلابی قرار دارد. ما اینگونه برخورد را یک بر خورد ضد مارکسیستی، آنارشیستی و مخالف منافع انقلاب ایران میدانیم. کسانیکه به مسأله انقلاب اینگونه برخورد می کنند - صرف نظر از انگیزه درویشان - بطور عینی، به امر انقلاب ایران صدمه می زنند. گردانندگان گروههای مائوئیست و آنارشیست، به تناسب خونهایی که در راه اندرست بر زمین ریخته میشود. در برابر خانواده هایی که کسان خویش را از دست میدهند، مسئولیت سنگین دارند.

ما همیشه گفته ایم و باز تکرار می کنیم: انقلاب بازی نیست. عمل انقلابی را با عمل مسلح نباید اشتباه کرد. ممکن است که در جریان مبارزه اجتماعی، در لحظه معین توسل بسلاح لازم باشد. در اینصورت باید بدرنگ سلاح بدست گرفت و میدان مبارزه رفت.

ولی مشتبه کردن عمل انقلابی با عمل مسلح، و تبدیل مبارزه اجتماعی، به مبارزه یک گروه زبده مسلح، شیوه ایست که هرگز مورد قبول مارکسیست ها نبوده است و نیست.

بعد از چندین سال تبلیغ و تهیج، اکنون اولین نتایج راه ماجراجویانه ای که گردانندگان گروههای مائوئیست و آنارشیست در پیش گرفته اند آشکار میشود. جوانان شجاع و شرافتمندی که سحرگاه ۲۶ اسفند در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند قربانیان گردانندگان منحرف و مسئولیت ناشناس این گروهها هستند. این گردانندگان بخواهند یا نخواهند، بطور عینی به مقاصد ارتجاعی و ضد دموکراتیک مقامات حاکمه ایران خدمت می کنند، اینها به مقامات حاکمه ایران امکان میدهند، که بزور اسلحه، سکوت قبرستان را در کشور تشدید کنند. به سازمان امنیت وسیله میدهند که تمام مخالفین دولت را صرف نظر از شیوه تفکرشان، مورد تجاوز و تعدی قرار دهد.

حزب توده ایران بنا به مسئولیت سیاسی و اجتماعی خود در قبال مردم ایران، لازم میداند به همه آنها که شور آزادی در سر دارند هشدار دهد و آنها را از راهی که مائوئیست ها و آنارشیست ها در برابرشان میگذرانند برحذر دارد. این راه، راه انقلاب ایران نیست. این راه، راه پیروزی نیست. این راه شکست و تعویق پیروزی است.

اما مقامات حاکمه ایران باید بدانند که این سیاست ضد دموکراتیک آنها است که محمل اینگونه اقدامات ناسنجیده و ماجراجویانه است. تا وقتی که در ایران، بجای قانون، زور حکمفرماست، باید هر لحظه در انتظار اینگونه اقدامات بود، توده های مردم ما، تشنه آزادی و عدالت اجتماعی هستند. آنها نمیتوانند بیش از این، تعدی و تجاوز بحق قانونی خود را حقوقی که در قانون اساسی ایران هم مصرح است - تحمل کنند و خاموش بمانند.

ما از همه مردم ترقیخواه و میهن پرست ایران، مخصوصاً از روشنفکران که نخستین قربانیان مائوئیست ها و آنارشیست ها هستند، طلب می کنیم که به ندای حزب توده ایران که ندای مبارزه واقعاً انقلابی، ندای مبارزه واقعاً مثبت، مؤثر در راه تحول بنیادی جامعه است، گوش فرا دهند. حزب توده ایران سابقه سی سال مبارزه انقلابی دارد. حزب ما بهترین فرزندان خود را در راه تحقق ایدالهای اجتماعی - سیاسی خود از دست داده است. حزب ما، خود را در برابر زحمتکشان ایران و تاریخ ایران مسئول میداند. با توجه عمیق به این مسئولیت اجتماعی و سیاسی است که ما مبارزه در راه تحقق آزادیهای دموکراتیک را در رأس شعارهای خود در این مرحله مبارزه قرار داده ایم. این تنها شعار صحیح در این مرحله است.

مصاحبه ۱۵ فروردین مقامات امنیتی، نشان داد که اکنون جان ۵۰ نفر دیگر که در دیماه گذشته دستگیر شده اند، مورد مخاطره جدی است. وظیفه تمام افراد شریف

سخنرانی های رفیق ایرج اسکندری

نیست اتحاد شوروی را که توسط رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ایراد شد و نیز سخنرانیهای نمایندگان دیگر که گره را با نهایت دقت استماع کردیم. سخنرانی عمیق و مؤثر رفیق برژنف و دورنمای الهام بخشی که این کنگره برای ارتقاء بیش از پیش سطح زندگی و فرهنگ مردم شوروی میگذشاید و تقویت بیش از پیش اقتدار اتحاد شوروی بتمام ملل جهان و به کلیه مبارزان راه صلح، آزادی، استقلال ملی و سوسیالیسم نیرو و اطمینان تازه ای میبخشد و ایمان آنرا به حقانیت آرمانهایی که حزب لنین در زادگاه اکبر بزرگ با آنها جامه عمل پوشانده است تحکیم میکند. (کف زدن حضار)

جامعه ترقیخواه بشری با احساس خرسندی کامل تحقق درخشان قرارها و پیشینی های کنگره بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی را مشاهده میکند. تمام سیر حوادث جهانی در فاصله میان کنگره بیست و سوم و کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی مؤید کامل صحت وظایف مطرحه و مشی عمومی متخذ حزب و دولت شوروی است که هدف آن تأمین شرایط بین المللی مساعد برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، تأمین وحدت کشور های سوسیالیستی و تحکیم دوستی و همکاری برادرانه میان آنها، پشتیبانی قاطع از جنبش های آزادیبخش ملی، همکاری هرچه وسیعتر با کشورهای در حال رشد، دفاع بگیر از اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای پیرو رژیم های اجتماعی گوناگون، مقابله قاطع با سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و مصون داشتن جامعه بشری از بروز جنگ جهانی جدید است.

اجرای دقیق و بی خدشه این سیاست لنینی مواضع بین المللی کشور شوراها را تحکیم بخشید و در تقویت اتحاد کشورهای سوسیالیستی و تمام نیرو های ضد امپریالیستی نقش عظیم ایفا کرد. در عین حال اجرای این سیاست نقش پیشاهنگ اتحاد شوروی را در مبارزه برای صلح و حفظ امنیت بین المللی در قبال سیاست تجاوزکارانه و ماجراجویانه امپریالیسم بیش از پیش افزایش داده است. هم اکنون در نتیجه پشتیبانی قاطع و کمکهای بی شائبه اتحاد شوروی نقشه های

و میهن پرست ایرانی است که برای نجات جان آنها اقدام کنند. مخالفت با اقداماتی که مقامات امنیتی باین افراد نسبت میدهند، بهیچوجه نباید مانع مبارزه جدی برای نجات جان آنها از مخاطره گردد. محاکمه در دادگاههای در بسته نظامی، و حبس و اعدام غیر قانونی افراد امریست که باید آنرا قویاً محکوم کرد. باید افکار عمومی جهان را برای نجات جان زندانیان بسیج نمود.

رفیق اسکندری در دهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان پس از ابلاغ درود های گرم و برادرانه کمیته مرکزی حزب ما به حزب کمونیست و خلق بلغارستان و توصیف پیروزیهای درخشان خلق بلغارستان در ساختمان سوسیالیسم چنین گفت:

«مبارزه مردم ایران در راه ترقی، استقلال ملی و دموکراسی اکنون در شرایط بسیار بغرنجی انجام میگردد. علیرغم تغییرات مثبتی که در جهت از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و عقب ماندگی اقتصادی کشور روی داده است، فقر، بیثباتی و فشار همچنان هنوز سر نوشت مردم زحمتکش کشور ماست.

زمامداران کشور ما که درمان عقب ماندگی کشور ما را در این دیده اند که روند تسلط مناسبات تولید سرمایه داری را تشدید نمایند، میخواهند خود سرانه دستگاه نیمه فئودالی و ضد دموکراتیک حکومت را همچنان حفظ کنند و تضاد آشکاری را که از این راه بوجود میآید با زور و بوسیله خشن ترین اقدامات تزیینی حفظ نمایند.

بهمین جهت است که حزب توده ایران در عین اینکه از اقدامات ترقیخواهانه بمنظور از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و اقداماتی که در جهت صنعتی کردن و مدرنیزه کردن کشور میشود پشتیبانی میکند، با قاطعیت ترور پلیسی و شکل استبدادی و ضد دموکراتیک حکومت را میگوید و برای استقرار مجدد آزادیهای دموکراتیکی که در قانون اساسی پیش بینی شده و از جمله برای حق حزب ما و سایر سازمانهای دموکراتیک در بدست آوردن فعالیت قانونی در کادر قانون اساسی کنونی ایران مبارزه میکند تا بتوان با تفاق تمام نیروهای ترقیخواه ایران در راه رشد غیر سرمایه داری، مستقل و دموکراتیک کشور مبارزه نمود.»

فشار بر ترقیخواهان عراق

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، در نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی حزب ما پرده از فشارهای بیرحمانه‌ای که اکنون از طرف دولت عراق به رهبران و اعضای حزب کمونیست و سایر ترقیخواهان این کشور وارد میشود برداشته است. کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، از حزب ما و سایر احزاب برادر طلب کرده است، که بمنظور پایان دادن باین فشارهای غیر انسانی، به دولت عراق اعتراض کنند و از آن بخواهند که دست از سیاست خشن و بیرحمانه خود بردارد و حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم این کشور را محترم شمرد.

ما اکنون ضمن انتشار بخشی از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق لازم میدانیم مراتب همدردی و تعاون صمیمانه خود را با این حزب برادر که در شرایط دشوار با نهایت فداکاری برای تحقق ایدالهای بزرگ خود مبارزه میکند ابراز داریم. تاریخ حزب کمونیست عراق، مشحون از فداکاریهای قهرمانانه در راه تأمین حاکمیت و استقلال ملی عراق و استقرار آزادی و دموکراسی در آنکشور است. این حزب در جریان مبارزه دشوار خویش، هزارها قربانی داده است. ارتجاع عراق، به رهبری نوری سعید سالیان دراز این حزب قهرمان را مورد شدیدترین فشارها قرار داد. بعد از انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ چند سالی این حزب در شرایط بالنسبه امن تری به مبارزه خویش ادامه داد. ولی کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳ حزب بعث، سر آغاز هجوم وحشیانه جدیدی بر ضد این حزب بود. از آن پس نیز، دولت هائی که یکی بعد از دیگری در عراق بحکومت رسیده‌اند، هر یک بدست‌آوری، به اعمال فشار بر حزب کمونیست عراق ادامه داده‌اند. نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق نشان میدهد که این فشار هم اکنون نیز ادامه دارد و رهبران حزب بعث، علیرغم تمام وعده‌های خود، دست از سیاست قدیم خویش بر نداشته‌اند. ما باین اقدامات جابرانه بر ضد حزب کمونیست برادر عراق شدیداً اعتراض مینمائیم و از دولت عراق طلب میکنیم که به اقدامات غیرقانونی خود بر ضد حزب کمونیست پایان دهد. اعمال فشار بر حزب کمونیست عراق، چیزی جز آب باسیاب امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم ریختن نیست. نمیتوان هم مدعی مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بود و هم سرسخت ترین مبارزان این راه را سر به نیست کرد.

اینک بخشی از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق خطاب به کمیته مرکزی حزب ما:



رفقای عزیز چندماه پیش جریان توقیف رفقا خدمت الجاسیم و عزیز حامد را با اطلاع شما رساندیم. اینها دو تن از مسئولین حزب کمونیست عراق بودند. ما تمام کوششهای ممکن را برای نجات جان آنها بعمل آوردیم. رهبران حزب بعث و قبل از همه رئیس جمهوری احمد حسن البکر بما قول داده بودند که آنها زنده‌اند و آزاد خواهند شد.

اکنون با نهایت تأثر و تألم اطلاع یافته‌ایم که این دو رفیق زیر شکنجه‌های غیر انسانی، جسمی و روحی، جان سپرده‌اند. دولت بوسلیه وزیر داد گستری با خانوادہ‌های رفقا الجاسیم و حامد تماس گرفته و بآنها پیشنهاد کرده‌است که غرامت مرگ کسان خود را باز ستانند. به خانواده‌های آنها گفته‌اند که دولت توانسته است رفقا الجاسیم و حامد را در هیچک از زندانها پیدا کند. دولت در عین حال خانواده‌های این رفقا را زیر فشار گذاشته است که غرامت پیشنهادی آن را بپذیرند. سرنوشت سایر مبارزان ترقیخواه نیز از همین قبیل است. مجید عباس و مشکور مطرود دو نفر دیگر از رفقای ما در سیاه چالهای مقامات امنیتی ناپدید شدند. خانواده‌های این رفقا نیز مانند خانواده‌های

رفقای ما در رفیق دیگر، مورد فشار قرار گرفته‌اند. رفیق الجاسیم دبیر کمیته حزبی ما در منطقه فرات بود. او بیست سال سابقه حزبی داشت. او از فعالین جنبش دهقانی بود و دهقانان منطقه خویش را سازمان میداد و رهبری میکرد. او محبوب دهقانان و رهبر و مشاور آنها بود.

رفیق حامد در اوائل سالهای پنجاه و پنج پيوست. او در بلغارستان تحصیل کرد و در انستیتوی اقتصاد کارل مارکس (دانشگاه صوفیه) فارغ التحصیل شده بود. او از رهبران جنبش دانشجویی عراق در بلغارستان بود. بعد از اینکه بعراق برگشت بلافاصله بعنوان يك كادر حرفه‌ای خود را در اختیار حزب گذاشت. باو مأموریت‌های مهمی محول گردید.

چاپ سوم آخرین دفاع

خسر و روزبه

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
در دادگاه نظامی (فروردین سال ۱۳۳۷)
منتشر شد

یادی از نویسنده بزرگ ایران

صادق هدایت

یکی از بزرگان تاریخ ادب و هنر ایران تجلیل بعمل آورد.

ارتبه ادبی و علمی هدایت در تکامل بعدی ادب ایران تأثیر عمیق داشته و خواهد داشت. هدایت آغازگر يك مرحله نوین تکامل در زبان ادبی و چهره پردازی هنری در ایران است. قریحه حساس نیرومند، و ژرف او دارای رنگ خاص ایرانی است و شخصیهائی مانند خیام و حافظ را بیاد می‌آورد. طنز ظریف و عمیق هنری او، دامنه فلسفی اندیشه‌های او، دقت تحلیل روانی او کما کان در ادبیات معاصر بدون همتا و رقیب مانده است. در مکتب او نسل نوینی از هنرمندان پرورش یافته و مابند.

محافل ارتجاعی کوشیده‌اند و در آینده نیز خواهند کوشید هدایت را که دشمن سر سخت ستمها و فرومایگی‌ها بود کویا کنند و در اطراف او هیاهوی تحقیر کننده برافه اندازند. ولی هدایت که اینک دیگر نیروی معنوی بزرگی در تاریخ فرهنگ ایران است از دشمنان و بدخواهان ناچیز خویش به‌راتب نیرومند ترست. طنز هدایت، فکر هدایت هنر هدایت کما کان ستم گری‌ها فرومایگی‌ها را خواهد کوفت و روانها را بطیان و عصیان علیه ستم گران و فرومایگان فرا خواهد خواند.

بآثار هدایت باید بشابه محصول هنری يك دوران که دارای تناقضات و ویژگیهای خود بود نگریست و آنرا بدرستی تحلیل کرد و بدرستی دریافت. برخی از اندیشه‌های هدایت برای رزمندگان اجتماعی در خورد قبول نیست، ولی این اندیشه‌های پراکنده هدایت نیست که روح واقعی هدایت و آثار او را بوجود می‌آورد، روح او روح سرکام مردم نشدنی و طوفانگر يك انسان بزرگوار و مردم دوست و مبین پرست است که علاوه بر حربه‌های دیگر گاه نیز با حربه یاس و یا با حربه طنز واقعیت ناپسند و کربه پیرامون خود را کوبیده است. هدایت هیچگاه در کنار دشمنان خلق نبوده و هیچگاه کار پر تعب و پر شور بخاطر ایران و فرهنگ آنرا از یاد نبرد. هیچگاه تسلیم زرق و برق قدرت استبداد و فساد و خرافه نشده و امروز پس از ۲۰ سال که از مرگ این نویسنده سترگ می‌گذرد تابش شخصیت او از همیشه خیره کننده ترست.

۱. سپهر
هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) را بادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهادهای خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

بمناسبت بیستمین سالگرد مرگ غم‌انگیز صادق هدایت که در ۱۹ فروردین ۱۳۲۰ دور از میهن در شهر پاریس روی داده وظیفه داریم از این بزرگترین نویسنده دوران اخیر کشور یاد کنیم. اینک پس از بیست سال که از مرگ هدایت می‌گذرد وی دیگر آن نویسنده محبوبی نیست که که زمانی در خموشی گمنامی میزیست و مینوشت و جمع کوچکی از یاران و خاصان او از قدرتمندی قریحه شگرفش با خبر بودند بلکه يك نام جهانیست. در بسیاری از کشورهای جهان و از آنجمله در کشورهای سوسیالیستی بسیاری از آثار او ترجمه شده، نامش در دایره المعارف‌ها راه یافته‌اند نگارهای تفصیلی درباره زندگی و آفرینش هنرش نگاشته شده است. در میهن ما نام هدایت بلند آوازه است و در اطراف این نام بزرگ و این شخصیت ویژه و متناقض بانگ آفرین نقرین فرو نمیشیند ولی يك چیز مسلم است و آن اینکه هدایت جای محکمی در ادبیات، در دلها و در مغزها احراز کرده و بيك عنصر ضرور در تمدن ما و بيك مفهوم جاوید در ادبیات ما بدل شده است.

صادق هدایت به‌راه کارگردان و هنرپیشه معروف عبدالحسین نوشین و شاعر نوآورینما یوشیح جزء آن هنرمندان راهگشائی هستند که در دوران دشوار استبداد و تسلط امپریالیسم در يك جامعه آسیائی عقب مانده با تمام رنجها و خون دل خوردنها، يک زندگی در يك چنین محیط بناچار پدید می‌آورد با غرور و شایستگی کوشیدند تا جامعه و فرهنگ ایران را در مسیر مترقی و دموکراتیک جلو برند. هدایت نه فقط نویسنده‌ای بزرگ بلکه پژوهنده‌ای معتبر و ارزنده در رشته زبان و تاریخ ایران و یکی از بنیاد گزاران تحقیقات فولکلوریک در کشور ماست، هم آثار هنری هدایت و هم آثار تحقیقی او در مقام والائی است.

درباره آثار هنری هدایت که در اطراف آن در گذشته بارها جار و جنجال فراوانی برافشاده است باید گفت که این آثار صرف نظر از ارزش بالاترید هنری آن از جهت سمت و محتوی اجتماعی خود بی‌سوسه یکسان نیست. مسلماً هیچ اثر هدایت را نمیتوان یافت که در آن انسان دوستی ژرف او منعکس نباشد ولی در همه این آثار روح رزمندگی و امید بآینده و بانسان بآن سطحی نیست که مثلا در آثاری مانند آب زندگی و حاج آقا و نظیر آنها منعکس شده است.

هدایت یکی از دوستان و هواداران حزب ما بود و این روحیه را تا آخر زندگی خویش حفظ کرد. حزب ما نیز از نخستین نیروهای اجتماعی بود که او را چنانکه هست و ارزیابی کرد و کوشید او را چنانکه هست بشناساند، از نخستین نیروهای اجتماعی بود که پس از درگذشت هدایت از وی بشابه